اهداف حسابرسی

 در فصل قبل با نقش های مختلف و ویژگی های مشترک رسیدگی و حسابرسی که آن ها را از دیگر فعالیتهای جامعه متمایز می کند آشنا شدیم. این ویژگی های مشترک مبنایی را برای تبیین گزاره هایی برای اهداف اصلی حسابرسی به طور عام و حسابرسی شرکت به طور خاص فراهم می کند .  در هر ساختاری تئوری و استدلالی؛ تقریر اهداف برای تبیین مفاهیم بنیادی حاکم بر عمل، ضروری است .

موضوع ها و پدیده های تجربی

    رسيدگی وحسابرسی را می توان از زاويه موضوع  قابل تعريف برای آن، به طرق مختلف مشاهده کرد . يعنی هر وضعيت قابل شناسايی از رسيدگی يا حسابرسی با موضوعی درگير است که قابليت مشاهده پذيری و يا تفسير در دنيای واقعی را دارد. چنين واقعيتی نوعا“ برحسب حالت، کيفيت، يا شرايط پديده های خاص توصيف می شود و با رجوع به شواهد و مستنداتی که در دنيای واقعی وجود دارد رسيدگی و اثبات می شود .

    برای مثال رويدادهای اقتصادی ، منابع، و تعهدات يک شخصيت گزارشگر ، مثل يک شرکت ، موضوع قابل رسيدگی يا حسابرسی آن را تشکيل می دهد .  محتوا و کيفيت آن ها با مراجعه به شواهد موجود همچون صورتهای مالی، ثبت های حسابداری و مستندات پشتيبانی کننده و نيز مشاهده فيزيکی رويدادهای اقتصادی، منابع، و تعهدات، رسيدگی و اثبات می شوند . وجه اشتراک رسيدگی ها، موضوع تشکيل دهنده پديده دنيای واقعی است که می توان با مراجعه به شواهد عينی آزمون کرد .  اگر چه اين پديده ها همواره مشهود نيست، و به شکلی از واقيت وجود دارند و موجب شک؛ وترديد و ابهام مي شوند. حسابرسی و رسيدگی ابزار تخفيف اين شک،  ترديد و ابهام است . بنا براين حسابرسی با واقعيات گوناگونی سر وکار دارد و سعی می کند با مراجعه به شواهدی که ممکن است بخشی از کل واقعيت باشند، آن ها را آزمون کند  .

موضوع ها و پدیده های تجربی

پديده تجربی در نتيجه کار کرد حسابرسی با موضوعات اساسی و شواهدی ارتباط دارد که بخشی از واقعيت توصيف شده هستند . کائوس

( Coase) استدلاال اساسی می آورد که معامله را ، واحد اساسی تجزيه و تحليل اقتصادی می داند. ويليامسون ( Williamson ) استدلال می آورد که در دنيايي با عدم قطعيت، با روابط مبادلاتی سوگيرانه، با اطلاعات محدود، و با فرصت طلبی، اقتصادی بودن هزينه های نسبی معاملات ( شامل قرارداد) باعث می شود تا فعاليت اقتصادی در درون يک موسسه سازمان يافته انجام شود نه به صورت مبادله بازار فردی. همچنين موسسه سازمان يافته که هويت يک شرکت را تشکيل می دهد در عين آنکه وظيفه  حداکثر سازی سود را دارد يک ساختار نظارتی موثر نيز هست. بنابراين حسابرسی شرکت را می توان بخشی از مکانيزم کنترل کلی برای بازنگری موضوع مبادلات شرکت در نظر گرفت. پديده های قابل رسيدگی مستمر در معاملات شرکت، رويدادهای اقتصادی، منابع و تعهداتی است که با معاملات مرتبط هستند، يعنی همان واقعيت های اقتصادی.

حسابرسی، واقعیت اقتصادی، تقریر ادبیات

کميته مفاهيم انجمن حسابداران امريکا (A.A.A ) حسابرسی را يک واقعيت پيش فرض از رويدادها و اقدامات اقتصادی بيان کرده است:

حسابرسی عبارت است از:

1- فرآيند سيستماتيک جمع آوری و؛

2- ارزيابی بی طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به رويدادهای اقتصادی به منظور تعيين ميزان انطباق اين ادعاها با معيارهای از پيش تعيين شده و؛

3- گزارش نتايج به استفاده کنندگان ذی نفع

استرلينگ می گويد: صورتهای مالی بايد پديده های تجربی را شرح دهد و هدف اصلی بايد حسابداری کردن برای پديده های تجربی باشد. صورت های مالی ابزار ابلاغ پيام هايي درباره واقعيت رويدادها و پديده های اقتصادی يک واحد گزارشگر مثل يک شرکت است. او در ارتباط با حسابرسی می گويد: بايد بپرسيم چگونه پديده های تجربی را حسابرسی کنيم. اين نظر از طرف «ولنايزر»پشتيبانی شده است. به ويژه حسابهای تاريخی بايد شرحی از پديده های تجربی باشند که صحت آن ها ممکن است با مراجعه به شواهدی که خارج از حوزه کنترل و تاثير تهيه کنندگان آن است، اطمينان داده شود.

(راد) می گويد: حسابرسی به عنوان فرآيند رسيدگی برای حصول اطمينان از شباهت اطلاعات به واقعيت اقتصادی تعريف خواهد شد. همين عبارت در نوشته هایFASB و ASB ديده می شود . يک نقطه نظر صريح وجود دارد که: حسابداری بايد با توصيف واقعيت اقتصادی در شکل پديده های قابل آزمون سر وکار داشته باشد و حسابرس بايد انجام آزمون های مورد نياز را در اين زمينه بر عهده گيرد .

کيفيت اطلاعاتی و حسابرسی

جنبه های خاص پديده های دنيای واقعی که حسابرسی با آنها سرو کار دارد کيفيت اطلاعاتی است. يعنی حسابرسی مسئول رسيدگی و گزارشدهی درباره ی کيفيت اطلاعاتی است  که موضوع اقتصادی را توصيف می کند . کيفيت در اينجا بر حسب   « مربوط بودن» و « قابليت اعتماد » اطلاعات گزارش شده تعريف می شود و آقای  « ولنايزر » آن را به عنوان « اطمينان کيفيت » توصيف می کند. بر اين اساس آن حسابرسی را، به صورت آزمودن مستقل تعريف می کند. حسابرسی بايد اين ظرفيت را داشته باشد که به استفاده کننده اش باوری را در باره کيفيت کلی محتوای پيام حسابداری بدهد. اگر چنين باوری وجود داشته باشد ، آنگاه قابليت ابهام و شک که وجود دارد، بايد کاهش يابد .

حسابرسی و ارزش افزوده

حسابرسی برای صورتهای مالی گزارش شده، ارزش افزوده (Added- Value ) فراهم می کند، زيرا نتايج بررسی قابليت افزودن ارزش را به نقش کلی پاسخ گويي ( Accountability )، بين هويت گزارشگر و افراد برون سازمانی دارد. برای مثال : با مقايسه غير مستقيم بررسی دست نوشته های کتاب فلسفه حسابرسی حاوی نقطه نظراتی در باره آن حاصل می شود که می تواند توسط نويسنده برای بهبود کيفيت آن مورد استفاده قرار گيرد .

ابعاد اطلاعات حسابرسی

آنچه گزارش حسابرس فراهم می کند يک اظهار نظر کارشناسانه درباره کيفيت اطلاعات مالی است که بوسيله آن، اطلاعات اضافی، برای دريافت کننده گزارش ها فراهم می کند.  اين فرآيند توسط کميته مفاهيم بنيادی حسابرسی انجمن حسابداری امريکا(A.A.A )به عنوان گواهی(شهادت دهی) توصيف شده است :

«گواهی (شهادت دهی) يک گزاره ابلاغی از اظهار نظر(قضاوت) است بر اساس شواهد متقاعد کننده توسط يک شخص قانونی ذيصلاح مستقل، در باره درجه انطباق اطلاعات حسابداری ابلاغ شده توسط يک سازمان، با معيارهای تعيين شده از تمام جنبه های با اهميت است».

فلينت اظهار می دارد: مسئوليت حسابرسان عبارت است از منتقل کردن ماهيت و حدی از اطمينان دوباره . و اين اطلاعاتی است افراد قبلا“دارند و آن را به افرادی که دسترسی مستقيم به داده های مربوطه ندارند و يا دانش خاصی از فن حسابرسی ندارند منتقل می کنند.

توصيه مونر و شرف : تعهد گزارشدهی حسابرس برای فراهم آوردن اطلاعات مندرج در صورتهای مالی، فراتر می رود . حسابرسان مسئوليت ارائه منصفانه اظهار نظر حسابرسی خودشان را درباره اين صورتهای مالی دارند، بويژه استفاده کنندگان صورتهای مالی که قراراست روی دامنه رسيدگی يا ماهيت اظهار نظر، راهنمايي يا گمراه شوند.

   شاو (show ) می گويد: گزارش حسابرس با توجه به کنترل های داخلی شرکت و نيز با توجه به کنترل های اجتماعی وسيع تری، از وظايف شرکت، معنی دار است. پيام های ابلاغ شده توسط حسابرس به عنوان ابزار فراهم سازی اطلاعات با قابليت اثر گذاری بر تصميمات درون سازمانی و برون سازمانی عمل کند . به طور کلی حسابرسان به عنوان کنترل صريح کيفيت اطلاعاتی، در جامعه به طور عام و در سطح شرکت به طور خاص عمل می کنند.

وظايف انسانی، تضاد و حسابرسی

تجزيه و تحليل و توضيحات رسيدگی، تاييد و حسابرسی سازگارانه نشان می دهد که اين فعاليت ها با تثبيت روابط انسانی سرو کار دارند. در مورد حسابرسی صورتهای مالی اين رابطه بين مديران شرکت ، افراد و سازمانهايي که احتمالاً از آن صورتهای مالی منتفع می شوند و حسابرس قرار داد. ساختار اساسی نقش حسابرسی توسط A.A.A ،« اسکندال»، « ولنايزر» به عنوان      « مثلث انسانی نمايندگی Human Triangle of agency » شناسايي شده است.

اسکندال می گويد:  حسابرسی يک فرآيند ارزيابی انسانی است برای پی ريزی طرفداری از بعضی نرم ها که منجر به يک قضاوت يا اظهار نظر می شود.

ولنايزر می گويد: نقش حسابرسی را به عنوان فراهم کننده اطمينان کيفيت به منظور دادن اعتماد به مشتری توصيف می کند.

دليل اين فرآيند ارزيابی انسانی که دائماً رخ می دهد وجود يک « تضاد منافع» (conflict of interest ) زيربنايي بين مشارکت کنندگان در هر يک از سه طرف ديگر است.  به نظر می رسد وضعيت هايي درباره وجود يک تضاد منافع بالقوه بين توليد کننده  و مصرف کننده اطلاعات، پيامد دو عامل مجزا اما مرتبط باشد که وقتی ترکيب شود اشتياق و دلواپسی خلق می کند که، به نياز برای رسيدگی يا حسابرسی منتهی می شود.

اين عوامل از نظر A.A.A عبارتند از :

1- جدايی يا تفکيکی بين توليد کننده ومصرف کننده (عدم دسترسی مستيم)

2 - پيامدهای اقتصادی ناشی از چنين جدايی که باعث استفاد نادرست توليد کننده به زيان مصرف کننده می شود .

اين جداِيی ها در سطح فيزيکی و ذهنی  رخ می دهد . از منظر فيزيکی جدايی عبارت است از :

 نانوانی يک فرد يا سازمان در دسترسی  به کيفيت اطلاعات فراهم شده . از طرف ديگر ، تفکيک ذهنی نتيجه بيچيدگی موضوع است که نيازمند ترکيبی از دانش ، تخصص، ومهارتی است که مانع از رسيدگی آن توسط فرد يا شخص می شود .

  برای مثال يک سهامدار به شکل فيزيکی در واحد گزارشگر وجود دارد اما اين شخص تخصص حسابداری برای ارزيابی کيفيت ارقام گزارش شده حسابداری را ندارد . ويژگي مشترک حسابرسی و رسيدگی تاييد اين امر است که حوزه های ابهام و عدم قطعيت در امور انسانی پيامدهای اقتصادی دارند ، مربوط هستند . به نظر می رسد در هر يک از وضعيت های رسيدگی شده، يک زيان بالقوه اقتصادی، ريشه وقوع حسابرسی و رسيدگی باشد. اين نکته توسط A.A.A در ارتباط با علل قابل شناسايي، تقاضا برای خدمات حسابرسی ذکر شده است.  
يعنی نياز برای رسيدگی در نتيجه يک نگرانی از زيا ن اقتصادی ناشی از ابهام درباره کيفيت يک موضوع اساسی مشخص ايجاد می شود.  
 برای مثال: صورتهای مالی با کيفيت ضعيف می تواند به سرمايه گذاری نامناسب يا تصميم قرض دهی نامناسب و به زيان های اقتصادی منتهی می شود.

وظايف انسانی، تضاد و حسابرسی

 همه اين ويژگی های مشترک توسط والاس بازشناساي شده است . قابليت حسابرسی برای ياری دادن به مديريت در:

       1 - نظارت                                  2- تصريح وظيفه مباشرت

       3- پاسخگوئی او                           4- ارتقای کيفيت اطلاعات مالی

       5- فراهم کردن اطمينان در مقابل ادعاهای گزارشدهی کيفيت ضعيف برای توليد کننده

       6- استفاده کننده و                       7- حسابرسان ،

        به عنوان نقشهايی برای حسابرسی ترغيب شده توسط روابط انسانی متضمن تفکيک فيزيکی و ذهنی با پيامدهای اقتصادی پيشنهاد شده است . چنين نتيجه ای در فرمول بندی يک گزاره هنجاری از اهداف حسابرسی شرکت حايز معنی و اهميت است.

  بيان هدف حسابرسی

هدف کلی حسابرسی شرکت را می توان به صورت زير بيان کرد :

در زمينه نياز به :

1-     حاکميت شرکتی  ( corporate Governance )

2-     پاسخ گويي مديريتی

3-     رسيدگی و گزارش کردن

  درباره کيفيت صورتهای مالی شرکت ها درجهت منافع افراد و سازمانها به طريقی دور از اين شرکت ها اما با حقوق معقول دسترسی به اطلاعات منظور شده در گزارش ها.  عبارت « دور اما با حقوق معقول دسترسی» بر حسب سه عامل تفسير می شود: اولين عامل عبارت است از استفاده کنندگان بالقوه صورتهای مالی (نياز برای پاسخ گويي است) که به صورت فيزيکی يا به شکل ذهنی از ارزيابی شخصی کيفيت محتوای اطلاعاتی گزارش ها جلوگيری شده (پس در اين صورت نياز برای پاسخ گوئی است) .

دومين عامل مربوط است به يک تضاد منافع قابل شناسايي اما بالقوه بين توليد کنندگان مديريتی گزارشها و استفاده کنندگان بالقوه آنها که برای استفاده کننده يک نياز اطلاعاتی ايجاد می کند که تضاد را روشن کند (وضعيت نمايندگی از سقوط اخلاقی بالقوه) .

سومين عامل اين است که: آيا عامل تفکيک و تضاد منافع برای ترغيب استفاده کننده  برای پيامدهای  اقتصادی ، اتکای آنها به صورتهای مالی وقتی آنها کيفيت نامناسبی دارند کافی هستند ( مويد يک رابطه  هزينه منفعت) .

بنابراين هدف خاص تر حسابرسی شرکت را می توان به صورت زير بيان کرد:

در زمينه نياز به حاکميت شرکتی و پاسخ گويي مديريتی، نگرانی اوليه حسابرس عبارت  است از:

 گواهی(شهادت دهی) درباره مربوط بودن و قابليت اعتماد صورتهای مالی از جانب افراد و سازمانهايي که حقوق معقولی از دسترسی به آن اطلاعات دارند و انتظار می رود  هنگام استفاده به وجود چنين خصلت هايي با توجه به چنين صورتهای مالی اتکا نمايند. از اين هدف چند استدلال حاصل می شود :

1- حسابرس از جانب افرادی که به کيفيت صورتهای مالی اتکا می کنند، کار می کند.

2- اين کيفيت در دو بخش تعريف می شود :

 بخش اول مربوط به اينکه آيا پيام های مالی مناسب استفاده کننده، در صورتهای مالی  ابلاغ می شوند ؟

•         بخش دوم اين است که آيا اين پيام ها معتبرانه توليد می شوند؟ اگر حسابرس می خواهد اين هدف را رضايتمندانه تامين کند، هر دو بخش را بايد به نحو معقول پاسخ دهد. اين امر به حاکميت تعريف نشده برای گزارش کردن درباره« ارائه منصفانه» (Present Fairly ) مربوط می شود (که صراحطا“ در مقررات تعريف نشده).

معيارهای کيفيت اطلاعات و حسابرسی

تعيين اين که آيا صورتهای مالی با استانداردها کيفيت مطابقت دارد يا نه حاکی از آن است که وظيفه حسابرس شرکت گزارش کردن درباره يکنواختی يا رعايت گزارشدهی با معيارهای عملياتی ذکر شده است. برای مثال: الزام امريکا (AFCPA ) برای حسابرسی مبنی بر گزارش  درباره مطابقت با اصول پذيرفته حسابداری و استاندارد انگليس ( APC ) حسابرس را ملزم می کندکه  درباره مناسبت يکنواختی و افشای رويه های حسابداری قانع شود. در نتيجه يک عامل مهم در انجام وظيفه حسابرسی مشخص کردن آنچه که معيار تلقی می شود مانند اصول پذيرفته شده حسابداری و رويه های مناسب می باشد.

اهداف پنهانی حسابرسی

نيت اصلی حسابرسی به عنوان تعيين کننده کيفيت صورتهای مالی گزارش شده  برحسب معيارهای تصريح شده، پی ريزی شده است . در امريکا (ALCPA ) نياز به تعيين کفايت مدارک، زيربنای حسابداری به طور غير مستقيم در رابطه با ماهيت مدارک و شواهد ذکر می شود. در انگليس ( قانون شرکتها) به طور صريح به عنوان يک هدف اصلی حسابرسی  شرکت اما گزارش نشده بيان می شود. از طرف ديگر در امريکا و انگليس ارزيابی کنترل های داخلی به عنوان يک تمرکز  بالقوه مهم حسابرسی در رابطه با گواهی( Attest )(شهادت دهی) کيفيت صورتهای  مالی، ترغيب شده است. AICPA و APC کفايت افشا را به عنوان يک وظيفه حسابرسی معمولاً گزارش نشده در امريکا و انگليس مقرر شده است. اظهارات خلاصه بالا ياد آوری می کند که اهداف يک نقش پيچيده مثل حسابرسی هميشه  مستقيما“ يا صراحتا“ بيان نمی شود.

تحول هدفهای حسابرسی

      هدف اصلی از حسابرسی در سالهای قبل از ابتدای قرن بيستم کشف تقلب بود. در نيمه اول اين قرن هدف حسابرسی از کشف تقلب فاصله گرفت و به سوی هدف  جديد يعنی تعيين اينکه آيا صورتهای مالی تصويری درست و منصفانه از وضعيت  مالی، نتايج عمليات و تغييرات در وضعيت مالی را ارائه می دهد ، تغيير کرد.   ( هرچند  که هنوز تعبير و تفسير واحدی از مفهوم درست و منصفانه در جوامع حرفه ای وجود ندارد.)  اما کشف تقلب هنوز به عنوان هدفهای فرعی جزئی حسابرسی مطرح است چرا که وجود تقلب يا اشتباه در اظهارنظر حسابرس نسبت به صورتهای مالی تاثير می گذارد. از هدفهای فرعی حسابرسی می توان از تعيين دقت سوابق حسابداری و جلوگيری از تقلب نام برد . جلو گيری از تقلب از وظايف مديريت است نه حسابرس؛ وجود حسابرس بايد تقلب کنندگان بالقوه را از رسيدن به منظور خود باز دارد .

تحول هدفهای حسابرسی

تی . ا. لی  T.A.Lee  نويسنده کتاب حسابرسی شرکتها هدف حسابرسی را به شرح زير بيان می کند :

الف- حسابرس به منظور اعتبار بخشيدن به اطلاعات مالی مندرج در صورتهای مالی بايد نظر تخصصی و مستقل خود را در موارد زير اظهار دارد:

1- مربوط بودن اطلاعات با رويدادهای اقتصادی، فعاليتها و معاملاتی که بيانگر آنهاست و دريافت اطمينان از اينکه اين اطلاعات به طور يکنواخت و طبق اصول متداول حسابداری مناسب بانوع فعاليت شرکت ارائه و بنحو کافی افشاء شده است.

2- عينيت اطلاعات در رابطه با منافع خاص سهامداران به منظور دريافت اطمينان از بيطرفی در تهيه ارائه صورتهای مالی و افشای آنها به گونه ای که منافع گرو خاصی در نظر گرفته نشده باشد .

معمولا“ اين دو مورد اظهار نظر نسبت به درست و منصفانه بودن صورتهای مالی تعبير می شود .

ب- حسابرس به منظور اظهار نظر به صورتهای مالی و اعتبار بخشيدن به آنها بايد دقت و قابليت اتکای اطلاعات پردازش شده توسط سيستم حسابداری را بررسی و اثبات کند. اين هدف معمولا“به عنوان « تعيين دقت سوابق حسابدری » بيان می شود .

ج- حسابرس در مواردی که گمانی پيدا کند، بايد مطمئن شود که مديريت از احتمال تقلب و اشتباه اطلاع پيدا کرده و اقدام لازم را انجام داده است. حسابرس بايد اين نتيجه گيری را در هنگام اظهار نظر نسبت به صورتهای مالی مورد توجه قراردهد . اين هدف جزئی در گذشته ، هدف اصلی حسابرسی بوده است که «کشف تقلب» نام دارد .

پژوهش تجربی در مورد ماهيت و هدف های حسابرسی

در سال 1970 در انگلستان پژوهشی مشابه تی.ا.لی بعمل آمد. پرسشنامه ای برای تهيه و برای حسابداران، مديران مالی، حسابرسان و مديران و اعضای هيئت مديره شرکت ها فرستاده اند. در اين پرسشنامه خواسته شده بود « هدف های حسابرسی شرکت ها را به ترتيب اولويت از 1 تا 14 مشخص کنند.»

1- 65% از حسابرسان، 96% از حسابداران و 77% از مديران: تضمين دقت حسابهای مالی را به عنوان يکی از هدف های حسابرسی ذکر کرده اند.

2- 77% از حسابرسان، 96% از حسابداران و 61% از مديران: اظهار نظر نسبت به کارآيی مديريت را جزء هدف های حسابرسی تلقی کرده اند.

3- 65% از حسابرسان، 96% از حسابداران و 54% از مديران: رسيدگی به حسابها و تشخيص ماليات را به عنوان يکی از اهداف حسابرسی ذکر کرده اند.

هر چند که رديف 1و2 را نمی توان به عنوان هدف حسابرسی تلقی کرد، چرا که رسيدن به آنها يا غيرممکن است .

تجزيه و تحليل پاسخ های حسابرسان

الف) تمام حسابرسان اظهار نظر نسبت به صورت های مالی را به عنوان نخستين هدف حسابرسی ذکر کرده اند.

ب) 50% حسابرسان دومين هدف حسابرسی را بررسی اثبات دقت و قابليت اتکای دفاتر و سوابق حسابداری تشخيص داده اند.

ج) 35% حسابرسان سومين هدف حسابرسی را دريافت اطمينان از رعايت الزامات قانونی مندرج در قانون تجارت توصيف کرده اند.

د) اگرچه 95% حسابرسان کشف تقلب و اشتباه عمده، سوء استفاده از سوء جريان های مالی را از هدفهای حسابرسی ذکر کرده اند.

تجزيه و تحليل پاسخ حسابداران:

غالب حسابداران اظهار نظر نسبت به صورت های مالی، قابليت اتکای دفاتر و رعايت الزامات قانونی را به عنوان هدف های اصلی حسابرسی شناخته اند.

تجزيه و تحليل پاسخ اعضای هيئت مديره:

اظهار نظر نسبت به صورتهای مالی، رعايت الزامات قانونی و بررسی و اثبات

قابليت اتکای سوابق حسابداری را به عنوان اولويت های اصلی حسابرسی بر شمرده اند.

پژوهش تجربی در مورد ماهيت و هدف های حسابرسی

در سال 1973 Beck پژوهشی در استراليا انجام داد. 93% از سرمايه گذاران تصور می کنند حسابرسان دقت حسابهای مالی را تضمين می کنند. 81% اعتقاد دارند حسابرسان مطلوب بودن وضع مالی شرکت را تضمين می کنند. برداشت های متفاوت از نقش و وظيفه حسابرسان می شد و به همين دليل جوامع حرفه ای فعاليت گسترده ای را در جهت آموزش استفاده کنندگان از گزارش حسابرسی انجام داده اند که تبلور آن را می توان در فرم جديدگزارش، بندی به عنوان مقدمه که حدود وظايف و مسئوليت های حسابرس و مديريت را تشريح می کند، به گزارش حسابرسی اضافه شده است و هدف از حسابرسی را « اظهار نظر نسبت به صورت های مالی و دريافت اطمينان معقول از نبودن تحريفی با اهميت در آنها» بيان می کند.